

تاریخ ۲۹ فروردین ماه/۲۷۱۱

۱۸ آوریل ۲۰۰۲

بادرود فراوان برانجمن شما و اندیشه آزاد و درود و سپاس بر همه هم میهنان
ارجمند شنونده که گوش به سخنانم فرامیدهند.

من میخوام این پیام را پیش ازربعین حسینی به گوش هم میهنانم برسانم
تا شاید یاری بخش آن گروه از گمراهان پی ورزی گردد که هنوز در بیابانهای کربلا
تازیان سرگردانند و نیکبختی خود را از روان بدبخت کنندگان خویش
آرزو مند و خواستارند که نشد .

بهرروروی من گفتارم را با این آرمان همیشگی پاسداران فرهنگ ایران آغاز میکنم
که

« آگاهی سرآغاز آزادی است.»

بر باور همه اندیشمندان هر نوشته، هر سروده، هر گفته پیامی دارد که نشان
دهنده خواسته و دانش و بینش و اندیشه و آرمان نویسنده، سراینده و یا گوینده
آنست.

از خویشکاری هر خواننده یا شنونده هم هست درباره آنچه را که میخواند، یامی
شنود، و درمی یابد که با گوشه هایی از زندگی او بستگی دارد به ژرفی
و با خرد و دانش و بینش خود بسنجد تا درستی و نادرستی هودگی و بیهودگی
سود یا زیانش را دریابد تا بتواند آگاهانه گام در راهی نهاده که او را بسرمزل
آرزوهایش میرساند.

اگر چنین نکند و بی چراغ خرد در راهی ناشناخته گام نهد نه تنها هرگز به آن
خواستگاه نمیرسد چه بسا در چاهی بس ژرف نیز سرنگون گردد.

این چاه ژرف همان چاهی است که از ۱۴۰۰ سال پیش از این تازیان بیابان گرد
با گفتن الله و اکبر و بادر دست داشتن نسکی بنام کلام الله نخست نیاکان
مارا پس از یک شکست نظامی در آن افکندند سپس درهالی که در همان چاه
دست و پامیزدند به مرده ریگری به ما نیز رسید . بی آنکه

ما از گذشته دردناک آن آگاهی درستی داشته باشیم همانگونه که امروز هم
ناآگاه تر از گذشته هستیم بانیرنگ گروهی دغلباز و شیاد. در پوشاک دین داری
بنام آخوندوایت ا لله که پرچمدار آرمان تازیان هستند همچنان در همان چاه بی
انتها فروتر می میریم. آنچنان خموش و رام و آرام که کوچکترین سدایی هم
از ما بر نمیخیزد.

بهیچروری آماده بهره گیری از خرد خود در راهی خویش نیستیم تا لختی
بیندیشیم . چه شده است که مادست از انهمه والایی و سرفرازی تاریخی
و فرهنگی شسته و این چنین چشم و گوش بسته فرمانبردار روان تازیان تازشگر
بر میهن و تاریخ و فرهنگ و نیاکان خود شده ایم

ویکبارهم این رنج کوچک رابه خودراه نداده ایم تا کلام الله ترجمه به فارسی رهاورد اسلام رابخوانیم ودریابیم که پیام آسمانی آمده دراین دفتر چیست؟.

آیا بلایی است آسمانی ویانسیمی از آزادی و آزادیخواهی براندیشه الله فرستنده او وزیده است؟.

و چرا گروهی دستار بنددینی با بهره گیری از این ناآگاهی آنچنان در مغز و اندیشه و روان مارخنه کرده اند که هر روز ما را در این چاه بی پایان فرو ترمیبرند. در بندگی و بردگی و پستی پذیری و خود آزاری از ما کاسه ای گرم تر از آش ساخته و کار را بجای رسانیده اند که در سال روز مرگ کشتارگران نیاکان ما و نابودکنندگان فرهنگ و تاریخ درخشان میهن همچون دیوانگان زنجیری بامشت و کارد و غمه و ساتور و زنجیر به جان خود می افتیم سر و جان خویش را خونین و مالین می کنیم و سپس از درد زیادی نشینیم و های های می گریم بی آنکه بدانیم چرا و بهره این کار بالاتر از ابلهانه ما چیست؟.

هرگز هم دریافته ایم که اینگونه بزرگداشت نابخردانه برای کشتارگران تازی سرزنش بزرگی است بر نیاکان با فرو شکوه ما.

همچنین هیچگاه نینشیده ایم که آیا تازشگران تازی پیام آوران آزادی و نیکبختی و شادی و بهزیوی بوده اند که باید اینچنین مورد ستایش قرار گیرند یا رهاوردشان بردگی و بندگی و غلامی و کنیزی شرم آور و کشت و کشتار و تاراج بوده است؟.

در این رهگذر بررسی داستان امام علی و فرزندانش و سپس کلام الله بهترین نمونه هایی هستند که میتوانند یاری بخش ما در روشن شدن، درستیه باشند. که اگر بخواهیم از خرد خود بهره بگیریم.

پس از این روشنگری است. که میتوان گره کوریونندنا درست گره خورده روان ما را بادشمنان آزادی و آزادمنشی شناخت و با بریدن آگاهانه این گره کور دگر باره آزادی از دست داده را بدست آورد و به آغوش پرمهتر تاریخ و فرهنگ میهن بازگشت.

گام نخست این است که دریابیم آیا امام علی پیشوای شیعیان جهان و امام حسین پسرا و دیگر فرزندان سر و جان خود را در راه زنده نگاهداشتن اسلام بر باد داده اند؟

بی گمان پاسخ آری است. چه تاریخ اسلام و نگهبانان آن هیچگاه سخنی جز این نگفته اند.

باینکه رویداد درون خانوادگی بیابان کربلا تازیان کوچکترین پیوندی با ایران و ایرانیان نداشت و ندارد زیرا کشته ها و کشته شدگان همه و همه از یک خانواده و بازمانده ای از عبدمناف تازی نیای بزرگ محمد و علی و ابوسفیان و می باشند.

ولی شوربختانه چون در پی چیره شدن تازیان بر میهن ما اسلام رهاورد محمد برگردن نیاکان مانهاده شد و نگهبانان ریز و درشتی هم بنام «حجت الاسلام،

سقت الاسلام، آیت الله» برآموزش دادن وگسترش آن گماردند بدینسان ناخواسته و نادانسته ایرانیان مرده ریگر «وارث» این ماندك شوم بیابان گردان تازی گردیدند.

این گماشتگان دغلكار همان نسكي را كه بنام كلام الله وبازبان تازیان بدست نیاكان ماداده شده بود و خواندنش رابرای آمرزش روان مردگان گناهكار سودمند میدانستند تا از گناهانشان كاسته شود. پایه واساس كار خود قراردادند.

بابكارگيري گروهی پشت به میهن تراز خود بنام «روضه خوان، پای منبری خوان، نوحه خوان، رمال، فالگیر، دعانویس، درویش، تعزیه خوان» وو

درسودجویهای ویژه به خود این تنورنادان پروری تازی پرستی راهمواره داغ وگرم نگاهداشتند كه امروزه بافرمذاری ولایت مطلقه فقیه نه گرم ترو داغ تر. كه شراره های سوزان آن ربا همه وجودمان درجسم وروح خود درمی یابیم.

همانگونه كه درگذشته چه درمزگتها، خانه ها، كوچه وبازار ها همه جا سخن ازاین بوده است كه امام علي سرورآزادگان وامام حسین سالار شهیدان، سروجان خود را در راه زنده نگاهداشتن اسلام ناب محمدی وقرآن ازدست داده اند كه امروزه این گفتارهابا ساختن هزاران مزكك سدها برابر شده است. كه

بگفته آنان اسلام آزادی وبرابری وبرادری و دادگري برای همه جهانیان به ارمغان آورده است كه اگر اینان سروجان خود را در راه آن نمی باختند تا به امروز ردیابی از اسلام ومسلمانی در جهان برحای نمی ماند وبیدادگري سرپای جهان رافرامیگرفت وانگاه صاحب الزمان ناگزیر به بازگشت بود تا با كشتار دستجمعی جهان راپراز داد كند.

به ارجگزاری براین سرورآزادگان وان سالار شهیدان سده های بیشماري است كه مردم ساده اندیش وفریب خورده به شیوه های گوناگون كه گفته شد همچون دیوانگان رها شده از بند آنچنان بر جان خویش تازش میبرند كه گویی تیشه بر كنده میزنند وخودنمیدانند كه چرا؟

برای رهایی این دیوانگان خردباخته نیاز به دل سوزی ودیگر مسلمانان به بندروان تازیان گرفتار آمده بهترین راه درمان آگاهی اذرونمایه قرآن رهاورد محمد رسول الله است كه پایه واساس اسلام برآن استوار میاشد ازاین روی برآن شدم تابانگريشي کوتاه بدرون مایه قرآن نشان دهم كه كوچكترین ارمغانی برای نیكبختی مردم ورهایی از بند بردگی. بندگی غلامی وكنیزی در آن دیده نشده ونمیشود.

كه در پایداری نگهداشتنش آنهمه خونهای بیشمار بر زمین ریخته شده وپایه اینهمه بدبختی های دیوانه وار راپی ریزی کرده وخواب از چشمان گروهی بیشمار گمراه ربوده اند .

وهال این شما واین هم بخشی کوچک از کلام الله رهاورد اسلام ناب محمدی که پس از شنیدن خواهید دریافت آبا برده و بنده و غلام و کنیز زیستن گروهی. آنهم بنام ملکی متصرفی مالک. مایه ننگ و شرمساری است. یا سرافرازی دارد؟.

اگر سرافرازی دارد. کسانی که بدان کردن نهاده اند همچنان کردن نهند و بمانند و شادمان هم باشند.

ولی اگر درمی یابند که غلام بودن و بردگی و بندگی و کنیزی رهاورد اسلام یعنی آزاد بودن مالک در همبستری با آنان است از این سرشکستگی و ننگ دوری گزینند و به راه آزاد زیستن سرفرازانه بازگردند.

کلام الله نازیان که سرپایش سخن از کشت و کشتار و گردنه بندی و غلامی و کنیزی است بر باور من برخاسته از مغز بیماری روانی میباشد که تھی از هرگونه دانش و منش و خرد و اندیشه است.

اله آمده در کلام الله. نه تنهادشمن آشتی ناپذیر آزادی و آزادیخواهی است که یکی از بزرگترین دیکتاتورهای جهان هستی میباشد همه فرمانهایش پستی پذیر، ناله وزاری شبانه روزی بسوی او، دوری گزیدن از خنده و شادی و بهزیوی است.

الله آمده در کلام الله. با دستورهای دهشتناکش چنان مینماید که دیوانه ای است زنجیری و درنده خو از تیمارستانی فرار کرده و در پی انتقام جویی از همه کس و همه چیز میباشد.

اندک نگاهی به شکنجه ها در شکنجه گاهش دوزخ آمده در سوره های بیشمار کلام الله. چهره اهریمنی او را هر چه بیشتر و بیشتر آشکار میسازد اگر بخواهم بخش کوچکی از دستورهای نابخردانه اش را برابرایه های آمده در کلام الله به آگاهی شما برسانم شوربختانه در زمان کم این سخنرانی درخور گنجایش نیست.

ولی شما میتوانید با دستیابی بر قرآن ترجمه به فارسی مهدی الهی قمشه ای که زیر شماره ۶۲- بتاریخ ۱۳۶۷/۳/۲۱ به گواهی وزارت ارشاد اسلامی رسیده است به چگونگی درونمایه باور نکردنی آمده در قرآن دسترسی پیدا کنید.

این الله دشمن آزادی بویژه دشمن آشتی ناپذیرانان نه تنهامردان رابه دودسته آزاد دوبرده و بنده و غلام بخش کرده است که زنان رانیمی از مردان دانسته و آن نیمه راهم به دودسته آزاد و ناپذیر بخش کرده است.

این الله گواهی هیچ زنی رابه تنهایی نمی پذیرد مگر آنکه دوزن در کنار یک مرد قرار بگیرند هال اگر زنان استاد دانشگاه باشند و مردیک رفتگر ساده به این آیه توجه کنید.

۱- اگر دو مرد نیابید یک تن مرد و دو زن هر که را طرفین راضی شوند گواه گیرند سوره دوم «البقره» دنباله آیه ۲۸۲ هال کمی بیندیشید چگونه است که همین الله بگاه نمازهای شبانه روزی همه گواهی های دروغین یک زن را به تنهایی

ودر زین پوششی سیاه و در اطافی در بسته و بدو را از چشم هر مرد درباره یکتا بودن خودش و رسالت رسولش می پذیرد و سدایش هم در نمی آید؟

۲-... حکم خدا در حق فرزندان شما اینست که پسران دو برابر دختران ارث برند... سوره چهارم «النساء» آیه ۱۱.

۳- هر کس وسعت و توانائی آن نباشد که زنان پارسای با ایمان (و آزاد) گیرد پس کنیزان مومنه که مالک آن شدید بزنی اختیار کنید... پس با کنیزکان مومنه با اذن مالکش (بی هیچ کبر و نخوت) ازدواج کنید و مهر آنها بدانچه معین شده بدهید کنیزکانی که عقیف باشند نه زناکار و نه رفیق دوستدار پس چون شوهر کردند چنانچه عمل زشتی از آنها سر بزند بر آنها نصف عذاب زنان پارسای با ایمان است.

این حکم کنیز را به زنی گرفتن درباره کسی است که بترسد میادا به رنج افتد (یعنی به رحمت عزوبت یا گناه زناکاری افتد) و اگر صبر کند (تا وسعت یافته و زنی آزاد بگیرد) برای نظم خانه و تربیت فرزند شما بهتر است. سوره چهارم «النساء» آیه ۲۵.

۴- مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است بواسطه آن برتری «نیرو و عقل» که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود به زنان نفقه میدهند.

پس زنان شایسته و مطیع در رعیت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را که خدا به حفظ آن امر فرموده نگهدارند.

زنانیکه از مخالفت و نافرمانی آنها بیمناکید باید آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشوند از خوابگاه آنان دوری گزینید باز مطیع نشدند آنها را به زدن تشبیه کنید... سوره چهارم. آیه ۳۴.

۵- و آنان که فروج و اندام شان را از عمل حرام نگاه میدارند مگر با جفتهایشان که زنان عقدی آنها باشند یا کنیزان ملکی متصرفی آنها که هیچگونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آنها نیست. سوره بیست و سوم «المومنون» آیه های ۶ و ۵.

۶- با زنان مشرک ازدواج مکنید مگر آنکه ایمان آورند همانا کنیزکی زیبا با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند که از حسن او بشگفت آیی... زن به مشرکان مدهید مگر که ایمان آورند همانا بنده مومن بهتر از آزاد مشرک است هر چند از مال و جمالش بشگفت آید. سوره دوم «البقره» آیه ۲۲۱؟

۷... و کنیزان خود که مایلند به عفت زهار برای طمع مال دنیا جبرا بزنا و ادا مکنید که هر کس آنها را اکراه بزنا کند خداوند در حق آنها که مجبور بودند آمرزنده و مهربان است سوره بیست و چهارم. آیه ۲۲.

درست توجه کنید. در این جاپام الله به کنیز در بند مالک این است که اگر مالک تو تو را بزور و ادا برزنا کند. نترس زنا بده من تو را می بخشم. ولی برای مالک کنیز که پول تن فروشی او را بر حیب میزند کوچکترین کیفری پیش بینی نکرده و نمیکند.

آیا آیه هایی که زیر شماره / ۳ و ۶ و ۷ بگوش شمارسید پروانه بی قید و شرط همبستر شدن مالک با کنیزان و غلامان و بردگان نیست ؟

۸- و از بردگانتان آنانکه تقاضای مکاتبه کنند (یعنی خواهند که خود را از مولایه مبلغی مشروط یا مطلق خریداری کنند) تقاضای آنها را اگر خیر و صلاحی در ایشان مشاهده کنید بپذیرید... سوره بیست و چهارم «النور» آیه ۳۳

۹- خدا برای هدایت شما از عالم خود مثلی زده آیا هیچیک از غلام و کنیزان ملکی شما در آنچه از مال و حقوق و مقام که ما روزی شما گردانیدیم با شما شریک هستند؟ تا شما و آنها در آن چیز بی هیچ مزیت مساوی باشید و همان قدر بی می که شما از نفوس خود دارید هم از آنان دارید؟ هرگز ندارید و هیچ آنها را شریک و مساوی خود نمیدانید... سوره سی ام «الروم» آیه ۲۸.

۱۰- شگفتناکه بردگی و بندگی و غلامی و کنیزی در اسلام تنها ویژه نامسلمانان نیست برخی از مردان مومن و زنان مومنه مسلمان نیز در شمار بردگان و غلامان و کنیزان هستند به این آیه نگاه کنید.

هیچ مومنی را نرسد که مومنی را به قتل رساند مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود در صورتیکه به خطا هم مومنی را مقتول ساخت باید به کفاره این خطا بنده مومنی را آزاد کند و خونبهای آنرا به صاحب خون تسلیم نماید... اگر این مقتول بآنکه مومن است از قومی است که با شما دشمن و محاربتند در این صورت قاتل دیه ندهد لیکن بر اوست که بنده مومنی را آزاد کند... سوره چهارم آیه ۹۲ - و دهها آیه های دیگر این چنینی آمده در کلام الله که همه و همه نمایانگر بنده داری غلام با رگی کنیزبازی به مالکیت و تصرف در آوردن زنان همسر دار و دختران و مردان بگونه هرکالای دلخواه میباشد.

روش زشت کنیزبازی و غلام با رگی اسلامی که جوانان زیاروی را اخته میکردند و بدرون رختخواب آیت الله ها و و می کشانیدند شوربختانه تا زمان پادشاهان مغل قاجار در سرزمین ماسایه شومش را افکنده بود تا در سال ۱۸۷۸ ترسای بی برغم مخالفت شدید آیت الله ها دولت قاجاریه که ناکزیر بر پذیرفتن قانون منع برده داری شده بود به کنوانسیون ژنو پیوست تا این لکه ننگ اسلامی از تاریخ ایران زدوده شد.

وگرنه امروز حرمسراهای آخوندهای چیره شده بر میهن ما مملو از نوجوانان زیاروی اخته شده بود.

در پی تصویب چنین قانونی از سوی نامسلمانان اروپایی بود که پسران نوجوان زیاروی ایرانی از اخته شدن و رفتن بدرون رختخواب آیت الله ها و پادشاهان مغل قاجار و مرشدان کامل شیعه مذهب صفوی رهایی یافتند.

در این باره کتاب قابوسنامه «عنصر المعالی قابوس بن وشمگیر» باب بیست و سوم - و رستم التواریخ نوشته محمد هاشم آصف «رستم الحکما» به اهتمام محمد مشیری. برگهای ۱۰۷ تا ۱۱۴ و ۱۴۷ بویژه ۲۰۰ و ۲۰۱ و تاریخ اجتماعی ایران نوشته مرتضی راوندی پوشینه سوم چاپ سوم بازبینی شده پیش از چیرگی آخوندها برگهای ۵۲۳ و ۵۶۰ تا ۵۶۲ و همچنین دفتر پژوهش در زندگی علی

نمادشيعه گري نوشته آله دال فك پرگهاي از ۱۹۹ تا ۲۰۲۳ براي نمونه رابخوانيد كه از مسلمانان و پيام الله آمده در كلام الله. عرق شرم برپيشاني هر مسلمان مي نشيند.

بانگهاي ساده و بدور از كوردلي تازي پرستي براي آيات قرآني و دهها آيه ديگر اگري پذيريم كه امام علي و فرزندش امام حسين و ديگرياران او كه در دشت كربلا كشته شدند بدرستي در راه آزادي انديشه و از ميان برداشتن بردگي و بندگي و غلامي و كنيزي و ديگريان برابرها سر و جان باخته اند؟

بايد چشم بسته اين درستي را پذيريم كه قرآن و آرمان اسلام ناب محمدي راز پنهانها و مسلمان نبوده اند.

اگري پذيريم كه در راه بكار بستن دستورهاي اسلام و قرآن جنگيده و سر و جان خود را در راه آن از دست داده اند. بايد آگاهانه و خردمندانه پذيريم كه بردشمني با آزادي وزنده نگاه داشتن بندگي، بردگي، غلام بارگي و كنيزبازي و جنگيده اند كه نه تنها در خور ستايش نيستند كه در خور همه گونه سرزنش هم هستند فروزه سرور آزادگان و سالار شهيدان را هم بدنام و آلوده کرده اند كه اين بدنامي بايد از روي آن فروزه ها برداشته شود.

داوري خردمندانه بدور از هرگونه كوردلي تازي پرستي پس از نگرش آيات كلام الله و بن مائه هاي آمده در نيكهاي ياد شده باشنوندگان است. با ارج فروان پاينده ايران برافراشته باد درفش كاوياني سرخ و زرد و بنفش.

پاسداران فرهنگ ايران پارس

آله دال فك